

21. They forced into service a passer-by coming in from the countryside, Simon of Cyrene (the father of Alexander and Rufus), to carry His cross.

22. Then they brought Him to the place [called] Golgotha, which is translated, Place of a Skull.

23. They tried to give Him wine mixed with myrrh [to dull the pain], but He would not take it.

21. آنها رهگذری شمعون نام از مردم قیروان را که پدر اسکندر و روفس بود و از مزارع می آمد، و داشتند تا صلیب عیسی را حمل کند.

22. پس عیسی را به مکانی بردند به نام جُلُجُتَا، که به معنی مکان جمجمه است.

23. آنگاه به او شراب آمیخته به مُر دادند، اما نپذیرفت.

24.And they crucified Him, and divided up His clothes among themselves, casting lots for them to see who should take what.

25.It was the third hour (9:00 a.m.) when they crucified Him.

26.The inscription of the accusation against Him had been written [above Him]: “THE KING OF THE JEWS.”

27.They crucified two robbers with Him, one on His right and one on His left.

28.[And the Scripture was fulfilled which says, “He was counted with the transgressors.”]

24. سپس بر صلیب کشیدند و جامه‌هایش را بین خود تقسیم کرده، برای تعیین سهم هر یک قرعه انداختند.

25. ساعت سوم از روز بود که او را بر صلیب کردند.

26. بر تقصیرنامه او نوشته شد: «پادشاه یهود.»

27. دو راهزن را نیز با وی بر صلیب کشیدند، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ او.

28. [بدین‌گونه آن نوشته کتب مقدس تحقق یافت که می‌گوید: «او از خطاکاران محسوب شد.»]

29. Those who were passing by were insulting Him with abusive and insolent language, wagging their heads, and saying, “Ha! You who would destroy the temple and rebuild it in [only] three days,

30. save Yourself by coming down from the cross!”

31. In the same way the chief priests also, along with the scribes, were ridiculing and mocking Him among themselves and saying, “He saved others [from death]; He cannot save Himself!

32. Let the Christ (the Messiah, the Anointed), the King of Israel, now come down from the cross, so that we may see and believe and trust [in Him]!” Those who were crucified with Him were also insulting Him.

29. رهگذران سرهای خود را تکان داده، ناسزاگویمان می‌گفتند: «ای تو که می‌خواستی معبد را ویران کنی و سه روزه آن را بازسازی،

30. خود را نجات ده و از صلیب فرود آ!»

31. سران کاهنان و علمای دین نیز در میان خود استهزایش می‌کردند و می‌گفتند: «دیگران را نجات داد اما خود را نمی‌تواند نجات دهد!

32. بگذار مسیح، پادشاه اسرائیل، اکنون از صلیب فرود آید تا ببینیم و ایمان بیاوریم.» آن دو تن که با او بر صلیب شده بودند نیز به او اهانت می‌کردند.

33. When the sixth hour (noon) came, darkness covered the whole land until the ninth hour (3:00 p.m.).

34. And at the ninth hour Jesus cried out with a loud voice, “Eloi, Eloi, lama sabachthani?”—which is translated, “My God, My God, why have You forsaken Me?”

35. Some of the bystanders heard Him and said, “Look! He is calling for Elijah!”

33. از ساعت ششم تا نهم، تاریکی تمامی آن سرزمین را فرا گرفت.

34. در ساعت نهم، عیسی با صدای بلند فریاد برآورد: «ایلوئی، ایلوئی، لَمَّا سَبَقْتَنِي؟» یعنی «ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا واگذاشتی؟»

35. برخی از حاضران چون این را شنیدند، گفتند: «گوش دهید، ایلیا را می‌خواند.»

36.Someone ran and filled a sponge with sour wine, put it on a reed and gave Him a drink, saying, “Let us see whether Elijah is coming to take Him down.” **37.**But Jesus uttered a loud cry, and breathed out His last [voluntarily, sovereignly dismissing and releasing His spirit from His body in submission to His Father’s plan]. **38.**And the veil [of the Holy of Holies] of the temple was torn in two from top to bottom.

36. پس شخصی پیش دوید و اسفنجی را از شراب ترشیده پر کرد و بر سر چوبی نهاده، پیش دهان عیسی برد تا بنوشد، و گفت: «او را به حال خود واگذارید تا ببینیم آیا ایلیا می آید او را از صلیب پایین آورد؟»

37. پس عیسی به بانگ بلند فریادی برآورد و دم آخر برکشید.

38. آنگاه پردهٔ معبد از بالا تا پایین دو پاره شد.

39. When the centurion, who was standing opposite Him, saw the way He breathed His last [being fully in control], he said, "Truly this man was the Son of God!"

40. Now some women also were watching from a distance, among whom were Mary Magdalene, and Mary the mother of James the Less and of Joses, and Salome.

41. When Jesus was in Galilee, they used to accompany him and minister to Him; and there were also many other women who came up with Him to Jerusalem.

39. چون فرمانده سربازان که در برابر عیسی ایستاده بود، دید او چگونه جان سپرد، گفت: «براستی این مرد پسر خدا بود.»

40. شماری از زنان نیز از دور نظاره می‌کردند. در میان آنان مریم مجدلیه، مریم مادر یعقوب کوچک و یوشا، و سالومه بودند.

41. این زنان هنگامی که عیسی در جلیل بود، او را پیروی و خدمت می‌کردند. بسیاری از زنان دیگر نیز که همراه او به اورشلیم آمده بودند، در آنجا بودند.

Sermon for Good Friday 7 April 2023 on Mark 15,21-41

Dear congregation!

1. At the beginning of the year I thought my work as a pastor was running smoothly, I could concentrate on the content and the meetings. But then it started again: our congregation was criticized from outside, obstacles were put in the way of a good future development, my work as a pastor was made difficult. I had to be careful and always fight.

خطبه آدینه پاک 07/04/2023

مرقس 15: 21-41

حضار گرامی!

1. در ابتدای سال فکر کردم: کار من به عنوان یک کشیش بدون مشکل پیش می رود، می توانم روی محتوا و برخوردها تمرکز کنم. اما دوباره شروع شد: جماعت ما از بیرون مورد انتقاد قرار گرفت، موانعی بر سر راه پیشرفت خوبی در آینده قرار گرفت، کار من به عنوان کشیش برایم دشوار شد. باید مراقب باشم و همیشه دعوا کنم.

2. These constant defensive battles put a strain on my immune system. I often had a cold. The cold came, the cold went and then the cold came again. I wanted to be strong, to resist all attacks with strength. But often I could not do as I wanted. I felt weak, angry about it, not happy with my situation.

2. این دعوای مداوم بر سیستم ایمنی بدن من فشار وارد می کند. من اغلب سرد می شدم. سرما آمد، سرما رفت و دوباره سرما آمد. می خواستم قوی باشم، همه حملات را با قدرت تحمل کنم. اما اغلب نمی توانستم کاری را که می خواستم انجام دهم. احساس ضعف کردم، از این بابت عصبانی بودم، از وضعیتم راضی نبودم.

3. I think many of you know such conditions, especially from the last few weeks, when many people were struggling with infectious diseases for a long time. Many also know that despite many efforts, there is no progress with education, work and recognition and other things. You always have to fight, but you never reach a clear result.

3. فکر می‌کنم: بسیاری از شما چنین شرایطی را می‌شناسید، مخصوصاً از چند هفته اخیر که بسیاری از افراد مدت زیادی است که با بیماری‌های عفونی دست و پنجه نرم می‌کنند. خیلی‌ها هم می‌دانند که با وجود تلاش‌های زیاد، با آموزش، کار و شناخت و موارد دیگر پیشرفتی حاصل نمی‌شود. شما همیشه باید بجنگید، اما باز هم نتیجه واضحی نمی‌گیرید.

4. In the last few weeks I have asked myself more often: why does it go on and on with a lack of physical strength, why are there always stones in my path, why? I know that the question "why?" doesn't lead anywhere. You can ponder back and forth why people and circumstances are the way they are, and also ask why God lets it happen that way. Especially in the case of much worse experiences than I have had.

4. در چند هفته اخیر بارها از خودم پرسیده ام: چرا با کمبود قدرت بدنی ادامه می یابد، چرا همیشه سنگ در راه من وجود دارد، چرا؟ می دانم که پرسیدن «چرا؟» ما را به جایی نمی رساند. شما می توانید به این موضوع فکر کنید که چرا مردم و شرایط به این شکل هستند، و همچنین پرسید که چرا خدا اجازه می دهد که چنین اتفاقی بیفتد. به خصوص بعد از تجربیات بسیار بدتر از آنچه که داشتم.

5. The question always leads further: where can I go with what burdens, annoys and restricts me? To whom? Let's look at the picture that the artist Lovis Corinth painted almost 100 years ago. We see three people here. On the left, Pilate in a white doctor's coat. On the right, a Roman soldier who has Jesus in his power. In the middle, in a red robe, the suffering Jesus. Who do I go to when I suffer from pressure and stress and lack strength?

5. همیشه این سوال وجود دارد که با چه بارهایی، آزارم می دهد و محدود می کنم، کجا می توانم بروم؟ به چه کسی؟ بیایید به تصویری نگاه کنیم که هنرمند Lovis Corinth تقریباً 100 سال پیش کشیده است. ما اینجا سه نفر را می بینیم. در سمت چپ پیلاتس با کت سفید دکتر. در سمت راست یک سرباز رومی که عیسی را در اختیار دارد. در وسط عیسی رنج کشیده در جامه قرمز است. وقتی تحت فشار، استرس و کمبود نیرو هستیم به سراغ چه کسی بروم؟

6. Sometimes violence, the military, the concentrated fighting power helps when, for example, my homeland is attacked from outside, as in Ukraine. Often, medicine, science, reason are not to be despised, for which Pilate in the doctor's coat stands here in the picture. The right therapy, prudent, considered action can achieve a lot.

6. گاهی اوقات خشونت، ارتش، قدرت جنگی متمرکز کمک می کند، برای مثال زمانی که میهن من از خارج مورد حمله قرار می گیرد مانند اوکراین. بیشتر اوقات، پزشکی، علم و عقل را نباید تحقیر کرد، که در اینجا توسط پیلاتس در کت دکتر نشان داده شده است. درمان مناسب، اقدامی سطحی و سنجیده می تواند دستاوردهای زیادی داشته باشد.

7. But when it comes to my anxious heart, to the whole person, to comprehensive help, then I cling to the man in the red coat. Then I long for Jesus. Then I hope for everything from Him, who has heaven and earth under Him and yet here on Good Friday is a prisoner and a tortured one.

7. اما وقتی نوبت به قلب مضطرب من، به کل فرد، کمک همه جانبه می رسد، به مرد شنل قرمزی روی می آورم. سپس من مشتاق عیسی هستم. پس من همه چیز را از او که آسمان و زمین زیر دستش است و هنوز در جمعه خوب اینجا زندانی و شکنجه می شود، امیدوارم.

8. The scene in the picture shows Pilate presenting Jesus to the people and asking: Do you want me to release him? Pilate says of Jesus: "Behold, what a man" (John 19:5d). Jesus the human being stands between the ruler who seems magnanimous and reasonable and the soldier who gives Jesus no choice. Jesus the human being before the people who - stirred up by Jesus' opponents - nevertheless decide for the murderer Barabbas and against Jesus.

8. تصویر صحنه ای را نشان می دهد که پیلاتس عیسی را به حضور مردم می آورد و می پرسد: آیا می خواهید او را آزاد کنم؟ پیلاتس در مورد عیسی می گوید: "ببین چه مردی است" (یوحنا 19:5d) «مرد» بین حاکمی که سخاوتمند و معقول به نظر می رسد و سربازی که هیچ چاره ای برای عیسی باقی نمی گذارد. عیسی مردی در مقابل مردم که - با تحریک مخالفان عیسی - به نفع باراباس قاتل و علیه عیسی تصمیم گرفت.

9. "Behold, what a man!" We can also say: "Behold, what a God!". We heard in the reading how it went on with Jesus. Jesus is crucified. Agonizingly his life comes to an end. "Jesus cried out loudly and died. Then the curtain in the temple was torn in two from top to bottom." (Mark 15:37,38).

9. «ببین چه مردی!»
همچنین می توانیم بگوییم:
«ببین چه خدایی!» در مرقس
خواندیم که عیسی چگونه
ادامه داد. عیسی مصلوب می
شود. زندگی او با عذاب به
پایان می رسد. «عیسی فریاد
زد و مرد. سپس پرده معبد از
بالا به پایین دو نیم شد»
(مرقس 15:37+38).

10. The curtain in the temple is torn when Jesus dies. This refers to the curtain in front of the Holy of Holies in the Temple in Jerusalem, the place of God's presence once a year on the Day of Atonement. On this day, the blood of a sacrificial animal was sprinkled on the place of God's presence, atoning for the sins of the people. This temple cult is over with Jesus' death.

10. پرده معبد با مرگ عیسی پاره شد. مقصود پرده مقابل قدس در معبد اورشلیم است که سالی یک بار در روز کفاره محل حضور خداوند است. در آن روز خون حیوان قربانی در محل حضور خدا پاشیده شد و گناهان مردم را کفاره داد. این آیین معبد با مرگ عیسی به پایان رسید.

11. The most holy presence of God is no longer found in the temple, but here with the crucified and dying Jesus on Golgotha. The atonement for all guilt - it now happens in the death of the Son of God. Here the holy, almighty God and the sinful, fragile human being touch each other.

11. مقدس ترین حضور خدا را دیگر نمی توان در معبد یافت، بلکه در اینجا با عیسی مصلوب شده و در حال مرگ در گلگوتا یافت می شود. کفاره تمام گناه - اکنون در مرگ پسر خدا اتفاق می افتد. در اینجا خدای مقدس و قادر و گناهکار و انسان شکننده لمس می شود.

12. Here and only here in the crucified and dying Jesus are sinful human beings not destroyed in the face of the holy God but saved.

Liberated from sin, judgement and death, the cross of Golgotha becomes the place of my new birth into an eternal, indestructible life in the presence of Jesus.

12. اینجا و تنها اینجا با عیسی مصلوب شده و در حال مرگ، انسان گناهکار در نزد خدای مقدس نابود نمی شود، بلکه نجات می یابد.

رهایی از گناه، قضاوت و مرگ، صلیب جلگه محل تولد دوباره من به زندگی ابدی و فنا ناپذیر در حضور عیسی می شود.

13. His death is the victory over my old sinful nature, the overcoming of all my guilt, the end of judgement, condemnation and hell for me. Thus, at the place of Jesus' death, I leave my old, sinful life, consecrated to death, and put on Jesus' new garment of justice, love and peace. I cling to this Jesus on the cross, to God in the red cloak, with Him I rest, with Him I am safe and at peace.

13. مردن او پیروزی بر طبیعت گناهکار قدیمی من، غلبه بر همه گناهان من، پایان قضاوت، محکومیت و جهنم برای من است. بنابراین من زندگی قدیمی و گناه آلود خود را که محکوم به مرگ است در جایی که عیسی در آن مرده است ترک می کنم و ردای جدید عدالت، عشق و صلح عیسی را می پوشم. من به این عیسی بر روی صلیب، به خدا در خرقه سرخ می چسبم، با او آرام می گیرم، با او امن و در آرامش هستم.

14. I come as a Christian from this victory of Golgotha. At the same time, I live on in this life. I experience ups and downs, strength and weakness, clear paths and stones that are put in my way. Some things fall to me, many things I have to fight for. I have to endure limits and weaknesses. But Jesus' death gives me two hopes for everyday life.

14. من به عنوان یک مسیحی از این پیروزی کالواری آمده ام. در عین حال به زندگی در این زندگی ادامه می دهم. تجربه بالا و پایین، قدرت و ضعف، راه های آزاد و سنگ هایی که بر سر راه من قرار می گیرند. بعضی چیزها به من می رسد، خیلی چیزها باید برای آنها بجنگم. من باید محدودیت ها و ضعف ها را تحمل کنم. اما مرگ عیسی مرا با دو امید برای زندگی روزمره پیوند می زند.

15. I often feel weak. But Jesus speaks to me: "My power is mighty in the weak" (2 Corinthians 12:9c) You will only sometimes be a strong hero and often also weak. But don't worry, I am strong. And when you are at the end of your strength - I, Jesus, am never at the end of my strength. And I am with you. And when you are weak, I come to your aid with my strength. Therefore, do not be afraid of your weakness, I am with you with my strength!

15. اغلب احساس ضعف می کنم. اما عیسی به من می گوید: «قدرت من در ضعف کامل می شود» (دوم قرنتیان 12:9 ج). اما نگران نباش، من قوی هستم. و هنگامی که شما در پایان قدرت خود هستید - من، عیسی، هرگز در پایان قدرت خود نیستم. و من با شما هستم. و اگر ضعیف باشی من با قدرتم به یاری تو خواهم آمد. پس از ضعف نترس، من با قدرتم با تو هستم!

16. Often I have to fight. But Jesus speaks to me through his disciple Paul: "In the midst of trouble we are victorious through him who loves us, Jesus." (Romans 8:37, loosely translated). I see the stones in the path and feel the hardship of always struggling. But where I stand up for Jesus and His kingdom, for what is good and conducive to life, Jesus fights invisibly at my side. With Him we will overcome, Paul says: far overcome, conquer, triumph. Faith in this gives me strength.

16. اغلب مجبورم بجنگم. اما عیسی از طریق شاگردش پولس با من صحبت می‌کند: «در میان مشکلات، به واسطه عیسی که ما را دوست دارد، پیروز می‌شویم.» (رومان 8:37 که به خوبی ترجمه شده است). سنگ‌های سر راه را می‌بینم و سختی جنگیدن را بارها و بارها حس می‌کنم. اما در جایی که من برای عیسی و پادشاهی او، برای خیر و بهبود زندگی می‌ایستم، عیسی به طور نامرئی در کنار من می‌جنگد. با او پیروز خواهیم شد، پل می‌گویید: بر دور غلبه کن، غلبه کن، پیروز شو. اعتقاد به آن به من قدرت می‌دهد.

17. After all, no one can overcome Jesus. Whoever opposes Him will lose. So we overcome with Jesus here in this life and then in eternity. Jesus in the red cloak, the man, the God. His cross is the holy of holies, place of eternal reconciliation for the sinner, birthplace of new, indestructible life. With Jesus I am forever at peace.

17. سرانجام، هیچ کس نمی تواند بر عیسی غلبه کند. هر کس با او مخالفت کند بازنده خواهد بود. بنابراین ما با عیسی در اینجا در این زندگی و سپس در ابدیت پیروز می شویم. عیسی در شئل قرمز، مرد، خدا. صلیب او مقدس مقدسات است، محل کفاره ابدی گناهکار، زادگاه زندگی جدید و فنا ناپذیر. با عیسی من برای همیشه در صلح هستم.

**18. He responds to my weakness with: "My power is mighty in the weak."
(2 Corinthians 12:9c) And to my complaint, always I must struggle, he responds with, "You will overcome with me what burdens you." (according to Romans 8:37) To Jesus in the red cloak, to Him crucified I entrust myself with hope, on Good Friday 2023 and forever.**

Amen!

18. او به ضعف من پاسخ می‌دهد: «قدرت من در ضعف کامل می‌شود.» (دوم قرنتیان 12:9) و به شکایت من که همیشه باید بجنگم، پاسخ می‌دهد: «با من غلبه می‌کنی بر آنچه که می‌کنی (مطابق با رومیان 8:37) عیسی در خرقه قرمز، من خود را به مصلوب پر از امید می‌سپارم، در جمعه خوب 2023 و برای همیشه، آمین.